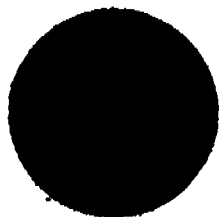


دکتر فتح‌اله جلالی



دکتر فتح‌اله جلالی فرزند مرحوم شمس‌الدین جلالی (حاج قطن‌الملک) در سال ۱۹۰۷ در تهران متولد شده و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در مدرسه آمریکائی‌های تهران در سال ۱۳۲۴ برای تکمیل تحصیلات به آلمان مسافرت نموده و در سال ۱۹۳۴ موفق به اخذ دیپلم دکتر ادرا علم حقوقی با درجه ممتاز شده و در سال ۱۹۳۶ به ایران مراجعت کرده است و پس از خاتمه دوره نظام وظیفه در وزارت امور خارجه وارد خدمت شده مدت ۲۲ سال در خدمت دولت بوده و مشاغل زیر را در این مدت بعهده داشته است :

عضویت اداره عهد و عقود جامعه ملل در وزارت امور خارجه.
رئیس اداره سیاسی وزارت کشور . معاون مدیریت کل امور شهرداریها در وزارت کشور. فرماندار خرمشهر و آبادان . مستشار حقوقی وزارت دارائی . مدیر کل وزارت دارائی، مدیر کل وزارت خواربار . خزانه دار کل (وزارت دارائی). مدیر کل وزارت کار . کفیل وزارت کار . عضو هیئت نظارت سازمان برنامه از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا . وزیر کشور . رئیس هیئت مدیره سازمان اتحادیه شهرداریهای ایران .
اکنون در دانشگاه ملی ایران قسمت‌های حکومت، تاریخ



عقاید اقتصادی و تاریخ روابط سیاسی ایران و کشورهای اروپا را
تدریس می نماید .

تألیفات :

- ۱- مقایسه حقوق اساسی ایران با کشورهای معظم اروپا
- ۲- تاریخ روابط ایران و روسیه
- ۳- تاریخ زندگی فریدریک کبیر

اکنون به نقل خاطرات آقای دکتر جلالی که مخصوص
مجله خاطرات نوشته اند می پردازیم :

قسمت اول

اولین مسافرت من به اروپا

درس ۱۶ سالگی در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴ میلادی) پدرم
مرا برای ادامه تحصیل و اتمام دوره دبیرستان به اتفاق زن
برادرم که آلمانی بود و دو طفل خردسال داشت به اروپا فرستاد.
در آن موقع من کلاس دهم مدرسه آمریکائی تهران را نیمه
تمام گذارده بودم . کودتای ۱۲۹۹ مدتی بود که خاتمه یافته بود
و اوضاع ایران روبه بهبودی می رفت . قرارداد بین دولت ایران
و اتحاد جماهیر شوروی که بعد از انقلاب ۱۹۱۷ بر سر کار آمده
بود به تصویب مجلس شورایی رسیده بود ولی باز هم روسها
برای عبور از کشور خود اشکالات زیادی می تراشیدند با این
وصف موفق به اخذ ویزا شده و بطرف اروپا رهسپار شد شدم .

وضع راههای ایران در آن موقع هنوز خراب بود بطوری
که من از تهران تا انزلی آنروز و بندر پهلوی امروز دو روز و دو
شب در بین راه بودم و از انزلی با کشتی روسها به بادکوبه
رفتم . هنوز وضع شوروی بعد از انقلاب تثبیت نشده بود .

بواسطه موقعیت و وضع احتمالی آنها ما مجبور بودیم که
چند روزی در بادکوبه بمانیم سپس به مسکو حرکت کنیم در این



سفر خاتم برادرم با دو فرزند خردسالش همراهم بودند و سرمای سختی که در آن موقع کشور روسیه را فرا گرفته بود زحمت زیادی برایمان ایجاد کرده بود.

بادکوبه پایتخت آذربایجان روس که به تازگی جزو کشورهای جمهوری سوسیالیستی شوروی شده بود مرکز تأسیسات نفتی روسیه است. جمعیت این شهر در حدود هشتصد هزار شهری است که در قرن هفتم میلادی تأسیس گردیده و دارای مساجد و قصورزیادی است که اغلب آنها در دوران حکومت ایرانیان از ۱۵۰۹-۱۸۰۶ بنا گردیده.

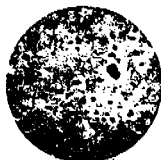
شهر بادکوبه کاملاً وجهه شرقی دارد و اهالی آنها هم خیلی اخلاق شرقی دارند در موقع اقامت با راهنمایی یکی از تجار ایرانی پالایشگاه نفت و تأسیسات دیگر آنرا دیدم. وضع داخلی مؤسسات نفتی بسیار ساده و قدیمی به نظر آمد بطوریکه در بعضی از قسمتها نفت سیاه در حفره‌هایی مانند جوی جاری بود و کارگران اغلب لباسهای درستی در تن نداشتند.

امروز بادکوبه یکی از مراکز مهم صنایع اتحاد جماهیر شوروی است و تصفیه‌خانه‌های نفت به مقدار ۱۸ میلیون تن نفت خام تصفیه می‌نمایند.

بادکوبه علاوه بر صنایع مختلف دارای دانشگاه و مؤسسات فرهنگی زیادی است.

در این اقامت کوتاه من توانستم فقط قسمتی از شهر را بینم و تأثیر آن در آنموقع در من بسیار بود و شهر بادکوبه با تهران آنزمان قابل مقایسه نبود.

بعد از چهار روز اقامت در بادکوبه به طرف مسکو حرکت کردیم. ترن خیلی آهسته حرکت میکرد و در هر ایستگاه کوچکی توقف می‌نمود که مسافرین بتوانند آب جوش برای جای خود تهیه نمایند. در ایستگاههای بین راه بچه‌های کوچک و بزرگ



گدائی میکردند و از مسافرینان و اغذیه دیگر می خواستند
بقرار معلوم وضع خواربار در آن زمان خوب نبود . بعد از سه روز
طی مسافت بالاخره به مسکور رسیدیم .

در مسکو مرحوم مشاور الممالک انصاری که از رجال سیاسی
معروف آن زمان بود سفیر کبیر ایران بود و از دوستان قدیمی پدرم
بشمار می رفت . چون وضع تهیه محل سکونت در آن زمان در روسیه
بسیار مشکل بود ایشان نهایت محبت را نموده دستور دادند برای ما
در یک هتل مجلل اطافی تهیه شود نام این هتل بخاطرم نیست ،
فقط می دانم که نزدیک میدان سرخ بود . این هتل در اثر پیش-
آمد انقلاب مستخدم بسیار کم داشت بطوریکه رستوران آن بسته
بود و بمهمانان فقط صبحها چای می دادند وضع صبحانه هم این
بود که سماوری را به اطاق مهمانان می آوردند و خود مسافریان
می بایستی نانی و کمره پنیری تهیه نمایند . از طرف سفارتخانه
یک نفرارمنی ایرانی هم مأمور راهنمایی ما شده بود و بوسیله او
ما توانستیم قسمت های مهم مسکو را در سرمای ۲۰ درجه زیر
صفر که در زیر برف پنهان بود بازدید کنیم .

چند روز اقامت ما در مسکو نگذشته بود که جراید خیر مرک
لنین را منتشر کردند در اثر این پیش آمد کنترل اتباع خارجی
به صورت بسیار شدیدی در آمد بطوریکه ظرف چند روز دائم
تذکره های ما را بازدید میکردند و شاید هم به صورت غیر مستقیم
تحت نظر بودیم ماما میل بودیم که هر چه زودتر به طرف برلن حرکت
کنیم ولی اطلاع دادند که خروج اتباع خارجی از مسکو و قفلامنوع
است . این بود که ما به ناچار در آن سرمای شدید مجبور شدیم یک
ماه در مسکو اقامت کنیم .

مسکو که امروز بزرگترین شهر اتحاد جماهیر شوروی است و دارای چهار میلیون ونیم جمعیت می باشد در آن زمان بواسطه انقلاب سرخ زیاد وضع مطلوبی نداشت. خیابانها از یخ و برف پوشیده شده بود و ماباد رشک‌های برفی بدون چرخ (کوتکا) حرکت میکردیم سرمای شدید بحدی برای ما که آشنائی به آب وهوای روسیه نداشتیم و پوشش زیادی هم همراه نیاورده بودیم غیرمنتظره بود که روزاول جرأت خروج از هتل را نکردیم. بعداً من پوستینی بوسیله راهنمای خود تهیه کردم که آنرا روی پالتومی پوشیدم و کمر بندی بکمر می بستم که تاحدی از سرما محفوظ بمانم. البته قیافه مضحکی پیدا کرده بودم که برایم اهمیتی نداشت.

در سال ۱۱۴۵ برای اولین مرتبه نام مسکو در تاریخ شنیده شد و در سال ۱۳۲۸ پایتخت آن کشور گردید. در سال ۱۷۱۲ پتر کبیر پایتخت خود را به پترزبورگ انتقال داد و در سال ۱۸۱۲ مسکو بوسیله ناپلئون فتح شد و در سال ۱۹۱۷ پس از فتح بلشویک‌ها و تصرف کرمل مجدداً لتین پایتخت روسیه را به مسکو آورد.

شهر مسکو دارای دانشگاه و مدارس عدیده است و کتابخانه آن دارای ۱۵ میلیون کتاب می باشد. تعداد کلیساهای آن بی شمار است. مادر آن موقع فقط از کاتدرال باسیلیوس در میدان سرخ بازدید نمودیم.

پس از قدری گردش در شهر بکلی تحت تأثیر عظمت شهر مسکو قرار گرفته بودم ساختمانهای عظیم مجلل و کلیساهای زیبا و موزه‌های پراز آثار هنری که متأسفانه قسمت اعظم آنها در آن زمان بسته بود و نمی توانستیم از آنها بازدید کنیم.

(ادامه دارد)